



info@perslit.com

www.perslit.com

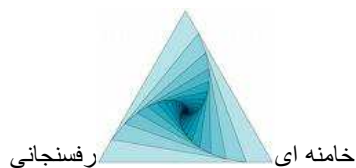


لهراسب زینالی - ۱۱ ژوئن ۲۰۰۹

« مثلث بی قداست »

مثلث جمهوری اسلامی ، دیگر هیچگونه قداستی ندارد

خمینی



شکستن تابوی قداست، امامت و ولایت از زبان نخست وزیر و رئیس مجلس حکومت اسلامی .

در آذربایجان مثلی هست که می گوید :

آعاجی اوز ایچندن گورت بیعر ، یعنی : درخت را از درون خود موربانه می خورد.

سی سال طول کشید، موربانه هایی که در مغز حکومت اسلامی رشد نموده بودند پایه های اصلی ولایت ، روحانیت و قداست انقلاب اسلامی ، سوسیالیستی را بچوند. دریده شدن پرده اسرار مثلث بی قداست خمینی ، خامنه ای و رفسنجانی با تیغ بالاترین مقامات انقلاب خوناشام و مردم سوز اسلامی ، یعنی نخست وزیر و رئیس مجلس پیشین همان اتفاق میمونی بود که اگر تمامی نیروهای اپوزیسیون یک صدا فریاد می زدند ، نمی توانستند باندازه یک صدم این خودی ها آن را بگوش تمامی ملت ایران و جهان برسانند.

صد سال فراز و فرود بعد از انقلاب مشروطه :

بر اثر دلایل گوناگون داخلی و خارجی که پرداختن به آنها در این جستار امکان پذیر نیست. انقلاب باصطلاح شکوهمند اسلامی با مشارکت مذهبیبون ، ملی و آخوندی و سوسیالیست ها و مسکویست ها ولی با شعار یگانه عدالت و برابری برای مستضعفین و رنج بران به پیروزی رسید.

روضه خوان ها بعد از صدها سال انتظار و فرومایگی به منبر ولایت تکیه زدند و برابر همان اصل ثابت شده آخوندی یعنی عدم تمکین به سهم خود در شراکت با تشکیل دادن کمیته ها و دادگاه های انقلاب ضمن کشتار بی رحمانه مقامات رژیم گذشته و مصادره تمامی اموال آنها، گروه های تروریستی و زیر زمینی مانند گروه فرقان و غیره سازماندهی کرده، تا دیگر شرکای انقلابی خود یعنی ملیون، مجاهدین و چپ ها را نیز از میان بدر کنند و گردند. از طرفی با بودن افرادی چون بهشتی ها و بنی صدرها، جا برای خامنه ای و رفسنجانی تنگ بود. که آنها نیز هر کدام به شکلی حذف شدند تا زمینه برای تشکیل "مثلث خمینی، خامنه ای و رفسنجانی" شکل بگیرد و گرفت. این مثلث و قداست آن تا تاریخ سیزدهم خرداد هشتاد و هشت از نظر اکثریت لایه های میانی جامعه انقلابی ایران مقدس بود.

ضربه آخر و بسیار کاری بر پیکر قداست ولایت در ایران :

میر حسین موسوی خامنه بعد از هشت سال نخست وزیری در بحرانی ترین زمان انقلاب اسلامی و کشتار بی رحمانه ده ها هزار نفر از مخالفین و دگر اندیشان در زمان مسئولیت او به فرمان مثلث انقلاب و دیدن و لمس نمودن تمامی جنایت های حکومت اسلامی، و بعد از فوت آقای خمینی و حذف فیزیکی کنج اصلی مثلث، شاگردان او یعنی خامنه ای و رفسنجانی ضمن توافق بر سر نگهداری نام و قرار دادن تصویر ایشان بر بالای سر خود و نظام اسلامی و حفظ قداست مثلث و با تغییر شتابان قانون اساسی شتر، گاو، پلنگی انقلاب و حذف بند مربوط به پست نخست وزیری و افزودن اختیارات رئیس جمهور، در نهایت دو شریک با پشتیبانی از هم دیگر کلیه حکومت و قدرت را در میان خود تقسیم کردند و از آن زمان نخست وزیر خانه نشین شد.

بنظر میرسد، نخست وزیر از میان بدر شده و مغلوب، بیست سال نشست و مطالعه کرد تا راه و زمان مناسبی را پیدا کند که تمامی مقدسات حکومت اسلامی و پایه های پیشین آن یعنی ولایت و غیره... را یکجا زیر سوال ببرد و برد. موسوی بعد از گوش دادن به دروغ های شرم آور غلام یا منبری ولی فقیه پرنسنت احمدی نژاد! تمام داشته های بیست ساله خود را یک پیاله نمود و با صدای آرام و کلمات شمرده آن سوال در گلو مانده صدها ساله ملت رنج فراوان کشیده ایران را در قلب حکومت جمهوری، آن هم در حضور تمامی ملت ایران و روشن فکران جهان پرسید. البته باید بدردستی گفته شود که بودند بسیاری که زمینه رنسانس فکری را از دهه های قبل آماده نموده و حتا جان خود را نیز فدای این نواندیشی و خردگرایی کرده بودند و بعد از ترورشان آخوندهای واپسگرا مانند آیت الله کاشانی فتوا دادند که کسروی را نباید در قبرستان مسلمانان دفن کنند. و اما روشن فکرانی چون شجاع الدین شفا، معین زاده، آبرامیان و بسیاری دیگر که به همراه میلیون ها جوان پیشرو ایرانی خیلی روشن تر و گشاده تر گفته و نوشته اند، اما شوربختانه هرگز نتوانستند گنجینه اندیشه خود را بگوش اکثریت مردم به ویژه لایه های میانی و خفته ایران و منطقه برسانند.

میر حسین موسوی با استفاد از یک اشتباه محاسبه رژیم، در یک مناظره انتخاباتی شگفت انگیز و عجیب گفت: ایشان می فرمایند وقتی من در سازمان ملل متحد در حال سخنرانی بودم، هاله ای از نور بر گرد سر من حلقه زده بود. آیا این خرافه نیست ، پس چیست؟

در تاریخ شانزده خرداد برابر با شش ژوئن شیخ مهدی کربوی رئیس مجلس سابق رژیم اسلامی نیز از زبان خود و نقل از آیت الله جوادی آملی بزرگترین مرجع تقلید شیعه به پرسش تاریخی میر حسین موسوی مهر تائید زدند و هاله نور امامت و ولایت را زیر سوال بردند. فرود آمدن این ضربه سهمگین بر فرق مقدسات حکومت اسلامی، آن هم با دست بالاترین مقامات رژیم دو کار بزرگ را انجام داد.

الف : حکومت اسلامی و مثلث مقدس آن را از قداست انداخت.

ب : اکثریت خفته لایه های میانی ملت ایران را بیدار و انگیزه اقلیت از هم گریز و مبارز پیشرو را برای فرو ریزی نظام قرون وسطایی اسلامی افزون کرد.

کنون ای مرا ملت هوشمند چرایی در چاه غفلت نژند؟

برآئید و ببینید کار شگفت به آسان توانید گیتی گرفت

اگر آگهی تان رسد کم و بیش ببینید هر چیز در دست خویش

همه نیک بختی و بیچارگی به دست شما هست یکبارگی

شعر مشروطه ، میرزا آقا خان کرمانی

زنده باد آزادی و دمکراسی

پاینده باد ایران و ملت ایران

لهراسب زینالی- ۱۱ ژوئن ۲۰۰۹

[www.perslit.com](http://www.perslit.com) بازگشت